

مقررات مربوط بشغل و کالت و رسوم کانون و کلائی پاریس

اقتباس از پاین و ژ. دوو F. Payen & G. Duveau

(۳)

حل این مشکل موکول باظهار نظر اشخاص بصیر و مطلع است ولی پاین میگوید در کتابی که راجع بوکلا بحث میکند اجازه دهید اظهار عقیده ناقابل و ناچیز خود را در این باره یعنی در موضوعی که میان وکلا مورد بحث است بیان نمایم.

همانطور که موجودات زنده متولد گردیده، نشوونما کرده، بزرگ شده، روبه پیری رفته و میمیرند اجتماعات بشری نیز این سیر را میپیمایند و این **تکامل** نام دارد.

دانشمندان علم الاجتماع باید متوجه باشند که طبیعت وضع آنانرا ثابت و یکسان نگاه نمیدارد بلکه همیشه آنرا بحال تحول و تکامل درمیآورد. بعنوان مثال میتوان از فرق مذهبی و همچنین بعضی اجتماعات دیگر که همیشه در حال تحول و تغییرند نام برد.

تغییر هر تشکیلات یا اجتماعی فقط در دو صورت ممکنست یا آنکه تحول بایک فشار خارجی انجام میگردد و یا با تطور طرز فکر اعضاء آن صورت میپذیرد.

فشار خارجی چیست؟ اصولاً تصمیمات انضباطی هیئت مدیره کانون «Conseil de l'Ordre» همیشه توسط دادگاه استان مورد تجدیدنظر قرار میگیرد. اگر هیئت مزبور حاضر بقبول یکی از افراد واجد شرایط بکارآموزی و کالت نباشد، دادگاه استان خود را در تحمیل آن فرد بکانون ذیحقی نمیداند. در اواسط قرن اخیر دیوان کشور تصمیم گرفت که نظر باصل آزادی و مساوات و سیستم تمرکز در فرانسه خود مختاری مطلق کانون وکلا امروزه نمیتواند مورد عمل قرار گیرد. از آنزمان ببعد دادگاه استان در روش سابق خویش تجدید نظر کرد اما حق انتخاب کانون را یاسامحه و گذشت بیشتری پذیرفته است در صورتیکه خود کانون در سختگیری خود باقی است. برای توضیح بیشتر بيمورد نیست دو مصداق از مصادیق فشار خارجی را ذیلاً تشریح کنیم.

۱- کانون یکی از چرخهای گرداننده دستگاه عدالت میباشد. **نقش حکومت** در کانون فقط حسن جریان امور آن نیست بلکه در مواقعی که مقتضی باشد میتواند دست بکار تربیم یا خراب کردن و تعویض این تشکیلات شود. حتی در موردیکه این اعمال منشاء ثمر و نتیجه‌ای هم نباشد باز دارای این اختیار هست. در اینصورت پرواضح است

مقررات مربوط به شغل وکالت

که کانون مستقیماً ضربتی نمی‌بیند ولی از نتایج سوء این تبدلات مصون نماند، کما اینکه اخیراً مشاهده شد که با تصویب قوانین جدید یا اصلاح قوانین قدیم من غیر مستقیم بوکلا اجازه داده شد در پیشگاه محاکم قائم مقام قانونی موکلین خود گردند.

۲- وکلا مانند سایر افراد تحت فشار **هضيقه مالی** که از یکفرون پیش زندگی غالب مردم را مختل ساخته است واقع شده‌اند از اینرو از عقیده سابق خود که حق الزحمه وکیل را یکنوع «هدیه» ای که موکل بوی می‌دهد میدانستند عدول کرده آن را حتی برای خویش شمردند. همچنین بمنظور فعالیت بیشتر وکلا، مراجع صلاحیتدار مجبور شدند اجازه دهند که وکلا در محاکم تجاری حکمیت یکطرف یا طرفین دعوی را قبول نمایند و یا بعنوان کارشناس انتخاب گردند و نیز در اثر همین فشار ناگزیر شد بوکلای جوان اجازه دهند به مشاغلی از قبیل روزنامه نگاری و منشیگری سیاسی مشغول شوند تا حداقل کمک مالی را برای بهبود وضع معاش خویش فراهم آورند. همچنین ناچار گردیدند که بواسطه بدی وضع خانه‌های مسکونی و گرانی اجاره بها اجازه دهند وکلای جوان از قاعده قدیم مستثنی بوده بتوانند در خانه سبله اجاره‌ای زندگی کنند و محل شغل خویش را نزد همکاران و دوستان قرار دهند.

از آنچه گذشت معلوم می‌گردد که این تغییرات فوری و آبی نبوده بلکه باکمال تأنی صورت گرفته است. مقصود از اتخاذ این روش ویران کردن اصول قدیمی نیست بلکه اجبار موجب قبول آن گردیده و تخطی از اصول قدیم کاملاً برخلاف میل قلبی و تمایلات درونی وکلا بوده است.

اما باید دانست این تغییرات که در نتیجه فشار خارجی صورت گرفته بهیچوجه آنچه را که راجع به بارو Barreau گفته شد کاملاً از بین نبرده و لطمه ای بر آن وارد نیاورده است.

آنچه مهم است اینست که طرز تخیل وکلا عوض گردد و بدون احتیاج باکمال شوق قلبی نخواهند تشکیلات سابق کانون را برهم بزنند و بر عقاید قدیمی کانون خویش خط بطلان بکشند.

البته در عین حفظ عقیده افراطی استقلال و تحمل و بردباری در مقابل فقر و تهی دستی باید تا اندازه‌ای بوکلا اجازه داد که ایندوام را پوسیده و قدیمی پندارند. امروزه که مدار همه چیز بر پول و مادیات است نمیتوان قبول کرد که وکلا در کارهای خود از معامله بر حذر باشند و فقط بمرات آبا و اجدادی خویش اکتفا کرده بآن امر معاش نمایند.

از آنچه راجع به بارو Barreau گفته شد معلوم میشود که دارای رسوم و اخلاقی خارق العاده است البته این عادات و آداب در قدیم خیلی طبیعی و عادی بوده است. شرایط محیط وضع زندگی امروزی ما ایجاب میکند که این آداب و رسوم را خارق العاده بدانیم. با وجود این تشکیلات کانون (Ordre) باید این تعهد مشکل را ایفا کند و از این سابقه قهرمانی پیروز و کامیاب بیرون آید. چه در غیر اینصورت خود از بین خواهد رفت

مقررات مربوط به نقل و کات

و وکلا ناگزیر میشوند تشکیلات صنفی خویش را در تابوت مخملی گلی رنگی گذارده در جوارخدايان مرده بخاک سپارند!

باید دانست که خوشبختانه وکلای پاریس هنوز باین مرحله که برای دفن تشکیلاتشان بیان شد نرسیده اند اما چون نسبت به تشکیلات *Ordre* خودشناسی پیدا کرده اند باید آن را فوق العاده دوست بدارند و در توسعه و ترقی آن بکوشند.

استخوان پندی کانون مدتها است دست نخورده بجای خود مانده و احساساتی که او را زنده و جاوید نگه میدارد همچنان باکمال قوت و قدرت پرتوافشان است. معذلکه . . . واقعه ای در عرض چهل سال اخیر اتفاق افتاده که کمی انسانرا نگران میسازد:

تعداد وکلا به نسبت زیادی بالا رفته که این نسبت باحجم کارهای موجود تناسبی ندارد. کانون پاریس در سال ۱۸۸۰ تعداد ۷۱۴ نفر وکیل داشت که اسامی آنان در لوحه وکلا ثبت رسیده بود. در سال ۱۹۰۰ این عده به ۱۱۲۹ نفر و در سال ۱۹۳۰ به ۱۶۶۹ نفر بالغ گردید و حال آنکه کارهای مدنی و جزائی با این تناسب روبه افزایش نگذاشته است! دادگاه شهرستان سن Seine در سال ۱۸۸۰ به ۶۷۱۴ پرونده رسیدگی نموده و در سال ۱۹۰۰ و سال ۱۹۳۰ بترتیب به ۸۷۳۶ و ۸۰۴۰ پرونده رسیدگی کرده است.

دادگاه استان پاریس نیز در سال ۱۸۸۰ به ۱۷۴۸ پرونده و در سال ۱۹۰۰ به ۲۹۱۸ پرونده و در ۱۹۳۰ به ۸۰۴۰ پرونده رسیدگی کرده است اما آمار پرونده های رسیدگی شده دادگاه های جزائی از ۲۲۰۴۳ پرونده رسیدگی شده در ۱۸۸۰ به ۳۴۲۸۴ پرونده در سال ۱۹۳۰ تزاید یافت و آمار دادگاه های جنائی برعکس از ۳۴۱ پرونده رسیدگی شده در سال ۱۸۸۰ به ۲۵۵ پرونده رسیدگی شده در سال ۱۹۳۰ تقلیل یافته است و بطور خلاصه تعداد وکلا در عرض پنجاه سال بمیزان ۱۰۳/۷٪ افزایش یافته و جمع تمام کار های مدنی و جزائی و جنائی در این مدت بنسبت ۷۰/۶٪ بالا رفته است.

غرض از ذکر ارقام فوق پیدایش علل آن یانشان دادن تعداد مراجعین و یا احکام و آراء صادره نمیشد بلکه منظور ملاحظه تناسب موجود بین تعداد وکلا و پرونده های مورد رسیدگی است بعلاوه در دادگاه های تجاری چهل سال پیش وکلای دادگستری هیچگونه مدافعه ای نمیکردند ولی در حال حاضر روز بروز بر تعداد شرکت کردن آنان در اینگونه محاکم افزوده میشود. این امر خود حاکی از یکنوع موازنه است ولی نباید در تشخیص و تعیین اهمیت این موازنه طریق مبالغه را پیمود: امور تجاری در پاریس در سال ۱۸۸۰ میلادی ۲۲۷۵۳ ققره بوده و در سال ۱۹۳۰ به ۳۱۲۶۴ پرونده رسیدگی شده است.

خلاصه باید دانست که از نشان دادن آمار فوق نتیجه ریاضی مطلوب نیست بلکه مقصود اینستکه معلوم گردد کانون پاریس مانند سایر جمعیت هایی که دارای حرفه های

مقررات مربوط به نقل و کالت

آزادند دچار بحران اقتصادی گردیده است و علت این بحران رقابت فوق العاده و خارج از اندازه اعضا است .

آنچه فوقاً ذکر شد درخصوص «**فشار خارجی**» بود که اغلب بکانون وارد می‌آمد و فشار دیگر را که قابل امان نظر زیاد است میتوان «**فشار داخلی**» نامید . این فشار در نتیجه ورود جوانان در صنف و کلا ایجاد گردیده است زیرا که در قبول این دسته از وکلا تخصص کامل بعمل نیامده و وضع آئینه بارو Barreau در نظر گرفته نشده و رعایت انتظامات نگردیده است .

بعلاوه باید در نظر داشت که بعد از جنگ دادرسی های اتفاقی ایجاد شده است (مثل کمیسیون و محاکم مال الاجاره ها ، محاکم خسارات جنگ ، محاکم فرانسه - آلمان و فرانسه - اتریش و غیره) که در حقیقت برای فعالیت و کلا آذوقه زود گذری میباشد . وقتی امور جریان طبیعی خود را پیدا کنند و آثار جنگ محو و زایل گردد چه خواهد شد؟ این مسئله ای است که حل آن تأمل آور است .

مادر حیطة فضای مکانیک قرار نگرفته ایم تا فشار داخلی موجب خنثی کردن نیروی فشار خارجی گردد در اینجا برعکس فشارها دست بدست هم داده اگر باین ترتیب اعمال آنها ادامه پیدا نماید ممکنست شکافی عمیق در در داخله تشکیلات کانون بوجود آمده اساس آن را از هم متلاشی سازد .

معروف است که هر شغلی باید بصاحبش نان دهد. این گفته صحیح و منطقی است ولی بشرط آنکه مقدار اشخاصی که بخواهند از آن شغل نان بخورند بی نهایت رو بنزاید نرود یا اینکه شغل مزبور بهمان اندازه که شاغلینش زیاد می شوند قابل توسعه و کشش باشد

اتفاقاً و کالت چنین نیست !

در تجارت اگر در اثر زیاد شدن دست مشتریان تجارتخانه ای روبه نقصان و کمی روند ممکنست رئیس آن تجارتخانه رشته کسب خود را عوض کند و بخرد و فروش جنس دیگری پردازد ؛ در صنعت صاحب کارخانه ای که بجای سود زیان میبرد میتواند بازار کار خود را تغییر دهد ؛ طبیعی که ازدوا و آسیبول نتیجه ای نمیگیرد میتواند مرضی را بطریق ورزش های ابتکاری یا تجویز آبهای معدنی مداوا نماید ؛ نقاش ممکنست عکاس صنعتی و هنری گردد عموماً این اشخاص هر یک بنوبه خود میتوانند در وسط و توسعه حرفه خویش بکوشند

باستثنای کارمندان که چون تعدادشان زیاد شد میزان کارشان کم میگردد !

(بقیه دارد)